نمایش‌هایی که از آن‌ها خوب استقبال می‌شود

نمایش‌های«یک دقیقه و سیزده ثانیه»، «سه خواهر» و «اگه بمیری» با استقبال مخاطبان و علاقه‌مندان تئاتری به اجراهای خود ادامه می‌دهند.

نمایش‌های «سه خواهر» به کارگردانی حسن معجونی و «یک دقیقه و سیزده ثانیه» به کارگردانی شهرام گیل آبادی که در سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر به صحنه رفته‌اند، در نیمه دوم اجراهای عمومی خود نیز با استقبال مخاطبان و علاقه‌مندان تئاتری به اجرای عمومی خود ادامه می‌دهند. این ۲ نمایش تا ۳ شهریورماه به ترتیب ساعت ۱۸ و ۲۱ به صحنه می‌روند.

«سی» روایتی مدرن از شاهنامه

کنسرت- نمایش "سی" با آهنگسازی سهراب پورناظری و خوانندگی همایون شجریان، این شب‌ها در کاخ سعدآباد تهران به صحنه می‌رود.

فضای باز کاخ سعدآباد این شب‌ها میزبان جمعی از بازیگران، موزیسین‌ها و جماعت مشتاقی است که در ساعات پایانی شب گرد هم آمده‌اند تا در کنسرت- نمایشی که با نام فردوسی شکل گرفته است حضور داشته باشند. مخاطبان در جایگاه‌های خود که با نام‌هایی مانند سمرقند، بخارا، بلخ، سیستان، خوارزم، ری و.... مشخص شده است مستقر شده و منتظر دیدار همایون شجریان، سهراب پورناظری، بهرام رادان، مهدی پاکدل، صابر ابر، سحر دولتشاهی و... بر روی صحنه می‌شوند. تک‌نوازی تنبور سهراب پورناظری آغازگر برنامه است و پس از آن آواز همایون شجریان با شعری از اهورا ایمان خبر از این می‌دهد که قصه زال و رودابه برای مخاطبان روایت خواهد شد. ضرب زورخانه آیین مشکاتیان نیز فضا را برای روایت یک داستان حماسی از شاهنامه فراهم می‌کند. با خروج نوازندگان، صابر ابر در نقش منجمی پیر به صحنه می‌آید که خبر از وقایعی ناگوار می‌دهد و در همین زمان دیوار «کاخ ملت» به زمینه‌ای برای نمایش ویدیومپ‌هایی تبدیل می‌شود که نقش طراحی صحنه و فضاسازی کار را بر عهده دارند. پس از آن نوبت به بهرام رادان می‌رسد که در نخستین تجربه تئاتری خود، با شکل و شمایلی متفاوت، زال را در حال سفری دشوار برای وصل رودابه نشان دهد. سهراب پورناظری نیز با تنبور خود، به عنوان ساز زال همیشه همراه اوست تا یار لحظات دشوارش باشد.

پس از مونولوگ‌های طولانی زال، بار دیگر پورناظری و شجریان به صحنه می‌آیند تا در کنار او قرار گرفته و آواز «من کجا، باران کجا» با شعری از پوریا سوری و پس از آن قطعه‌ای با نام «خوب شد» با شعری از اهورا ایمان را اجرا کنند. سرانجام زال به کاخ رودابه می‌رسد و همزمان با نخستین دیدار آن‌ها گروه موسیقی در اطراف صحنه مستقر می‌شوند تا قطعه «با من صنما» را اجرا کنند. اجرای زنده این اثر که در زمان پخش فیلم آرایش غلیظ به شهرت بسیاری رسید و حرف و حدیث‌های فراوانی را برای آهنگساز و خواننده آن در پی داشت، با استقبال شدید مخاطبان مواجه شد. پس از گفت و گوی عاشقانه زال و رودابه، تصنیف «دل به دل» اثر تهمورس پورناظری که در آلبوم «نه فرشته‌ام نه شیطان» شنیده شده بود اجرا شد. اما این فضای عاشقانه را حضور یک پری دیوسیرت بر هم می‌زند که خود را مادر زال معرفی کرده و قصد دارد او را از وصل رودابه باز دارد. دلنیا آرام، با گریمی عجیب و صدایی شگفت‌انگیز ایفاگر نقشی است که تفاوت‌های بسیاری با سایر شخصیت‌ها دارد. او بار طنز نمایش را بر دوش می‌کشد و آواز کلاسیک را برای ایجاد فضایی متفاوت به کار می‌گیرد. وقتی سرگردانی و حیرت زال از حرف‌های پری به اوج خود می‌رسد گروه موسیقی به صحنه می‌آید تا «آهای خبردار» را با شعری از حسین منزوی اجرا کنند. این قطعه که با گذشت چند ماه از اکران فیلم رگ خواب در جشنواره فجر همچنان جزء پرطرفدارترین موسیقی‌های این روزهاست با استقبال تماشاگران روبه رو می‌شود. پس از تک‌گویی‌های منجم نوبت به روایت مرگ اسفندیار می‌رسد و اینجاست که تنها بخش برگرفته از شاهنامه، در این برنامه اجرا شده و اشعار فردوسی با آواز شجریان و همراهی گروه نوازندگان شنیده می‌شود. اما روایت نغمه ثمینی از شاهنامه، در این بخش وارد فضایی سورئال می‌شود تا زال و رودابه پیش از به وجود آمدن رستم، در کابوس خود شاهد آینده‌ای دردناک باشند. مهدی پاکدل (رستم)، بانیپال شومون (اسفندیار) و حسین صوفیان (سهراب) به صحنه می‌دوند و خبر از دو جنگ می‌دهند که در هر دوی آن‌ها رستم باید دست به خون عزیزان خود آغشته کند. رستم از کشتن آن‌ها ابا دارد و از پدر و مادرش یاری می‌جوید تا راهی پیش پای او بگذارند، اما زال و رودابه نیز از تغییر این تراژدی عاجز هستند. نبرد رستم با اسفندیار و سهراب، و کشتن آن‌ها رخ می‌دهد و «ابر می‌بارد» یکی دیگر از آثار پرطرفدار شجریان و پورناظری با شعری از امیرخسرو دهلوی اجرا می‌شود. پس از آن منجم از کارهایی می‌گوید که باید برای دنیا انجام دهد و امید دارد که «شاید دیگر جنگ نشود، شاید حال دنیا بهتر شود...». رستم، سرگشته و پریشان، از رویای آزادی می‌گوید، از عشق به وطن و از رنجی که می‌برد. شجریان، پورناظری و دلنیا آرام به صحنه می‌آیند تا شعری از پوریا سوری را در مورد ایران اجرا کنند. در میانه قطعه همه بازیگران و نوازندگان به صحنه می‌آیند و هنگامی‌که بیت‌هایی آشنا از «مرغ سحر» در این ترانه خوانده می‌شود آن‌ها نیز به همراه ۴ هزار نفر حاضر در کاخ سعدآباد به همراهی خواننده می‌پردازند. سرانجام در ساعت یک بامداد اجرای «سی» به پایان می‌رسد و اعضای گروه با تشویق‌های شدید حضار مواجه می‌شوند. پیش از آغاز برنامه بیشتر مخاطبان گمان می‌کردند با داستان و اشعاری از سروده‌های ابوالقاسم فردوسی در شاهنامه مواجه خواهند شد، اما نغمه ثمینی روایت متفاوتی از شاهنامه را عرضه کرده است.

رفت و آمدهای مکرر بین بخش‌های نمایشی و اجرای موسیقی نیز در حالی شکل گرفت که سعی شده بود قطعات موسیقی از پیش ساخته شده، براساس حس و حال صحنه‌های نمایشی انتخاب شده و در کنار آن‌ها اجرا شود، اما اجرای ترانه‌های متعلق به فیلم‌ها که مخاطب تصاویری مشخص را از آن‌ها در خاطر دارد، تمرکز بیننده را از داستان در حال روایت برداشته و تنها او را دچار هیجان دیدن اجرای زنده ترانه‌های محبوبش می‌کند. بر همین اساس به نظر می‌رسد تنها نمونه موفق ترکیب موسیقی و نمایش در این اثر مربوط به ساز و آوازها و یکی دو تصنیف مانند بخش مرگ اسفندیار باشد که ویژه همین کار ساخته شده‌اند. این اثر در حالی روی صحنه رفت که بخش‌های نمایشی آن به نویسندگی نغمه ثمینی، کارگردانی علی‌اصغر دشتی و حضور حمید نعمت‌الله به‌عنوان مشاور پروژه شکل گرفته بود. نوازندگان این برنامه را سهراب پورناظری (تنبور، سه‌تار، کمانچه)، حسین رضایی‌نیا (دف، بندیر)، آزاد میرزاپور (تار)، نگار خارکن (کمانچه، صراحی)، آیین مشکاتیان (ضرب زورخانه، کوزه)، مهیار طریحی (سنتور)، حمید خوانساری (بربت)، آرین کشیشی (گیتار بیس)، خورشید دادبه (رباب)، شیده شکرآبی (چنگ) تشکیل می‌دهند. آنسامبل شهرزاد نیز شامل تینا جامه‌گرمی (ویولن)، یگانه حسینی‌نیا (ویولن)، نیلوفر سهی (ویولا) و نگار نوراد (ویولونسل) آن‌ها را همراهی می‌کنند.

مدیر پروژه این طرح تهمورس پورناظری و مدیر برگزاری آن محمد حسین توتونچیان است و برگزاری این کنسرت-نمایش تا ۱۰ شهریورماه ادامه دارد.

برنامه گالری‌ها در دهه سوم مرداد

نمایشگاه زمزمه‌های سرد در حوزه هنری

نمایشگاه نقاشی‌های آبرنگ کامیار صادقی با عنوان زمزمه‌های سرد با موضوع طبیعت از ۲۳ مرداد ماه در گالری ابوالفضل عالی حوزه هنری افتتاح خواهد شد.

در این نمایشگاه ۶۰ اثر از نقاشی‌های آبرنگ کامیار صادقی به نمایش در خواهد آمد وی از هنرمندان نقاش حوزه هنری است که سابقه شرکت در نمایشگاه‌هایی در داخل و خارج از کشور مانند سومین دوسالانه نقاشی جهان اسلام، اولین سمپوزیوم بین‌المللی نقاشی و ... را در کارنامه هنری خود دارد. این نمایشگاه تا ۵ شهریور ماه میزبان علاقه‌مندان به هنر نقاشی است.

نمایشگاه 'بیست چاهار' در خانه کاریکاتور

خانه کاریکاتور نمایشگاهی با عنوان «بیست چاهار» از آثار علیرضا پاکدل را از ۱۹ مرداد ماه برپا کرده است. در این نمایشگاه ۳۰ اثر به نمایش در آمده که همگی پیش از این در جشنواره‌های معتبر داخلی و خارجی در معرض دید عموم قرار گرفته‌اند اما بیشتر از آنکه بخواهند تکنیک یا سلیقه جشنواره‌ها را به نمایش بگذارند، تفکر یک کاریکاتوریست را نمایش می‌دهند.

علاقه مندان برای بازدید از نمایشگاه «بیست چاهار» می‌توانند از ۱۹ تا ۳۱ مردادماه به خانه کاریکاتور در خیابان شریعتی مراجعه نمایند.

نمایشگاه لوح خیال در نگارخانه لاله

نمایشگاه گروهی لوح خیال با آثاری از جعفر نجیبی، رباب زالی و نگار نجیبی در نگارخانه لاله برپا می‌شود. در این نمایشگاه ۳۵ اثر هنری در قالب مجسمه و نقاشی ارائه می‌شود. آثار هنرمندان بیشتر یادآور قصه‌ها و اسطوره‌های ایرانی است که هر یک در آثارشان سعی در خلق موجودات خیالی شخصی با رویکردی تازه داشته و روایتی امروزی و بداهه نگارانه از اسطوره‌های کهن را دنبال کرده‌اند.

بیشتر آثار حجمی از ضایعات آهن شکل گرفته و برخی از آثار نیز با تکنیک سفال و سرامیک ارائه شده است.

این نمایشگاه از ۲۰ تا ۳۱ مرداد ماه در نگارخانه لاله میزبان هنردوستان است.

نمایشگاه تصویرسازی در گالری شلمان

۲۴ دانشجوی رشته گرافیک، بر اساس داستان‌های «هزار و یک شب» با گردآوری مریم رسول زاده در مدیای تصویرسازی به نمایش در می‌آید.

هنرمندان شرکت‌کننده در این نمایشگاه عبارتند از مریم رسول‌زاده، آیدا ناجی، مبینا کریم زاده بارنجی، فاطمه دست نما، شقایق عظیمی، آرام فیروز آبادی، حورا واحدی، فاطمه صداقتی، سارا بابائی، کوثر فروزنده، فاطمه کریمی، سارا سرابی، نجمه حسینی مطلق، حدیث حبیبی، عهدیه صادقی نژاد، فاطمه میرکاظمی، مژده دایی زاده، زهرا موسوی جویه، مهتا براتی، نازنین ماندنی خالدی، امین آزادی، حسام گودرزی، الهه دولتی، عطیه صفری.

این نمایشگاه از ۲۰ تا ۲۷ مرداد ماه میزبان علاقه مندان به هنر است.

نمایشگاه نقاشی در گالری آران

نمایشگاه آثار حامد جابرها با عنوان «زوال، فصل دوم: کندن» از ۲۰ مرداد ماه در گالری اران برپا می‌شود. کندن فصل دوم از «مجموعه زوال» است کالبدشکافی توأمان تاریخ و تن نگاهی ناپیوسته به تاریخ پیوسته اعمال خشونت بر گوشت و پوست جست وجوی رخدادها و نشانه‌ها و نوشته‌هاست در حاصل هم دستی انسان و ابتذال «کندن» کند ـ و ـ کاوی است در امتداد زمان و بالیدن آن هستومند وحشی بی‌رحم که مایه از ما گرفته؛ چیزی که بوده و هست، و از عصاره جنگ‌ها و انقلاب‌ها و قیام‌ها می‌نوشد و باز می‌بالد.

این نمایشگاه از ۲۰ مرداد ماه تا ۱۰ شهریور ماه در گالری آران برپا است.

نویسنده‌ای که برای بار دوم «هیوگو» را برد

«ان.کی. جمیسین» نویسنده سیاهپوست آفریقایی ـ آمریکایی برای دومین سال متوالی موفق شد در بخش رمان جوایز ادبیات علمی ـ تخیلی «هیوگو» برنده شود.

گاردین نوشت: نام ان.کی. جمیسین سال گذشته به عنوان اولین سیاهپوستی که جایزه هیوگو را دریافت کرده، بر سر زبان‌ها افتاد. این زن نویسنده امسال هم موفقیت خود را تکرار کرد و به پدیده سال‌های اخیر جوایز ادبیات علمی ـ تخیلی هیوگو تبدیل شد.

سال گذشته او با رمان «فصل پنجم» برگزیده شد و در این دوره کتاب «دروازه ابلیسک» او از سوی مخاطبان برنده شد. مجموعه رمان «جمیسین» که از سوی داوران این جایزه پیچیده و خارق‌العاده توصیف شده، درباره موجودات جهش‌یافته‌ای است که می‌توانند محیط زمین را کنترل کنند اما مغلوب انسان‌ها می‌شوند.

جایزه بهترین رمان کوتاه این دوره به «هر قلب یک درگاه است» نوشته ««شینان مگوایر» رسید. «اورسولا ورنن» با «دزد گوجه‌فرنگی» جایزه داستان بلند را به خانه برد و در بخش بهترین داستان کوتاه نام «امل المختار» نویسنده «فصول شیشه و آهن» به عنوان برنده جایزه هیوگو اعلام شد.

«اوسولا کی. لو گوین» نیز جایزه اثر مرتبط هیوگو را با «کلمات مساله من هستند» کسب کرد. این کتاب مجموعه‌ای از نوشته‌های ۱۶ ساله این نویسنده مطرح آمریکایی و برنده جایزه «نبیولا» درباره زندگی و کتاب‌هاست.

«لویی مک‌مستر بوجولد» جایزه بهترین مجموعه رمان را از آن خود کرد و جایزه بهترین نویسنده نوقلم، از آن «جان دبلیو. کمبل» نویسنده «آدا پالمر» شد. امسال ۳۳۱۹ نفر برای انتخاب برندگان نهایی جوایز «هیوگو» رای دادند.

هیوگو از مهم‌ترین جوایز علمی – تخیلی جهان به حساب می‌آید که از سال ۱۹۵۳ به صورت سالانه آثار داستانی و فانتزی را که به زبان انگلیسی به نگارش درآمده‌اند، مورد توجه قرار می‌دهد. این جایزه به نام «هیوگو گونزبک» بنیان‌گذار مجله علمی – تخیلی داستان‌های شگفت‌انگیز و ثبت‌کننده ترکیب علمی – تخیلی نام‌گذاری شده است.

برندگان جوایز هیوگو که بیش از ۵۰ سال سابقه دارد، توسط اعضای انجمن علمی- تخیلی جهان انتخاب می‌شوند. «اسحاق عظیم‌اف»، «آن لکی» و «نیل گیمن» از برندگان پیشین این جایزه ادبیات علمی – تخیلی هستند.

اجرای مجدد آواز پارسی ناظری‌ها در نهم و دهم شهریورماه

کنسرت «آواز پارسی» حافظ ناظری و استاد شهرام ناظری، بر اساس اشعار حماسی شاهنامه فردوسی، که در چهارشب و در سالن وزارت کشور برگزار شد، شهریور ماه برای سومین بار تمدید می‌شود.

از نکات پروژه جدید «آواز پارسی»، می‌توان به اولین اجرای حافظ ناظری به تنهایی و بدون همراهی پدرش در قسمت اول برنامه اشاره کرد. در قسمت‌های دیگر این کنسرت، داستان «ضحاک» توسط پدر و پسر، به نوعی متفاوت و با لحنی حماسی به اجرا درمیآید. کنسرت «آواز پارسی» ناظری‌ها، بر اساس آهنگسازی بر روی اشعار شاهنامه و با هدف حفظ آواز ایرانی به دور از الحان عربی اجرا می‌شود.

در اجرای «آواز پارسی» در تالار وزارت کشور، متاسفانه با وجود هماهنگی‌های لازم مراسم امضا آلبوم «ناگفته» با حضور حافظ ناظری کنسل شد و طرفداران از این بابت ابراز ناراحتی داشتند. به همین‌دلیل با وجود تمام سختی‌ها، ناظری‌ها محل برگزاری کنسرت را از سالن وزارت کشور به کاخ نیاوران تغییر دادند و برای اجراهای تمدیدی این کنسرت، برنامه ویژه‌ای برای مراسم امضا و دیدار با مخاطبان بعد از اتمام اجرا در نظر گرفته‌اند. سومین تمدید کنسرت «آواز پارسی» حافظ ناظری و استاد شهرام ناظری، نهم و دهم شهریور ماه، در کاخ نیاوران تهران برگزار خواهد شد.

علاقه مندان می‌توانند برای تهیه بلیت به آدرس اینترنتی www.tik۸.com مراجعه کنند.

جشنواره ایران من

جشنواره مسابقه «ایران من» با محوریت (اتحاد، امنیت، آرامش)ویژه کودکان ۵ تا ۱۲ سال ۱۷ شهریور ماه سال جاری برگزار می‌شود.

تبیین اوضاع کشورمان برای کودکان و برشمردن اهمیت آرامش و امنیت حاکم بر کشور از اهداف این جشنواره عنوان شده است. در اطلاعیه روابط عمومی مسابقه «ایران من» آمده است که امروز محیط پیرامون میهن ما ایران سرشار از آشوب و ناامنی و جنگ است اما کشور عزیزمان از آرامش و امنیت مثال‌زدنی حتی در مقایسه با کشورهای پیشرفته جهان برخوردار است که دوست و دشمن به آن معترفند. این رویداد بر آن است تا با توجه به اهمیت موضوع اتحاد، امنیت و آرامش ایران غیورمان، کودکان سراسر کشور را با این مقوله آشنا کند تا آن‌ها هم سهمی هرچند کوچک در این جشن ملی ایفا کنند . مسابقه «ایران من» که به همت موسسه کودکان هوشمند در سه حوزه عکس، نقاشی و متن ادبی برگزار می‌شود و به برگزیدگان جوایزی اهدا می‌کند. علاقمندان به شرکت در این جشنواره تا ۷ شهریور ماه ۱۳۹۶ فرصت دارند آثار خود را به دبیرخانه این جشنواره ارسال و برای کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه اینترنتی www.festival.iranskids.com مراجعه کنند یا از طریق شبکه تلگرام به نشانی @festival_sk آثار خود را برای دبیرخانه جشنواره کودکان هوشمند ارسال کنند. جوایز نخستین دوره مسابقه «ایران من» به ترتیب به نفر اول: یک میلیون تومان جایزه نقدی و تندیس جشنواره، نفر دوم: هفتصد هزار تومان به همراه تندیس جشنواره و نفر سوم: پانصد هزار تومان و تندیس جشنواره که به برگزیدگان اهدا می‌شود.

بیماران هموفیلی؛ بازیگران یک تئاتر

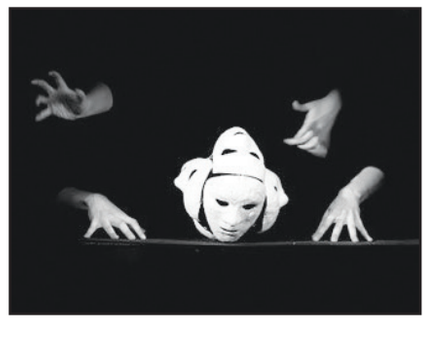

محمدرضا جمال کارگردان تئاتر در گفت‌وگو با ایسنا بیان کرد: نمایش«آژیر بی صدا» با چهار شخصیت داستان یک آتش‌سوزی را روایت می‌کند که در پی آن ناامیدی‌هایی در یکی از این شخصیت‌ها به وجود آورده و سعی به مقابله با دیگران دارد.

«آژیر بی صدا» یک نمایشنامه آمریکایی و اثر جورج کافمن از تجربه‌های کوتاه سال ۱۳۸۰ چاپ و ترجمه شده است.

وی در ادامه افزود: تمام عوامل این نمایش به غیر از دو نفر که وظیفه‌ی همکاری و هماهنگی‌های این نمایش را برعهده دارند از بیماران هموفیلی انتخاب شده است تا کسانی که به این بیماری مبتلا هستند به زندگی روزمره در این جامعه تشویق شوند.

وی با اشاره به عوارض این بیماری که مشکلات جسمی و عدم تعادل را در پی دارد گفت: به دلیل زود رنج بودن این بیماران کار کمی سخت خواهد بود.

همچنین هزینه اولیه این نمایش از تبلیغات در یک سایت تامین می‌شود و بخشی را هم کانون بیماران هموفیلی حمایت می‌کند. در نهایت درآمد حاصل از نمایش به خود بیماران هموفیلی اختصاص می‌یابد.

یاد

از دل برود هر آن‌که از دیده برفت

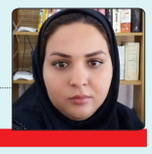

الهام رئیسی‌فرادنبه – روزنامه‌نگار

در برنامه دورهمی آخر هفته سخنان نادر سلیمانی درباره مافیای سینما سخنان تازه‌ای نبود اما تکان‌دهنده و قابل تامل بود، نادر سلیمانی با اشاره به روابط در حرفه بازیگری گفت: روابط وحشتناک است. روابط به این شکل است که عوامل یک برنامه دوستان خود را برای بازی وارد کار می‌کنند. مدتی به چهره توجه بسیاری شد اما امروزه این موضوع کمرنگ‌تر شده است. باید بدانیم که بازیگری در وجود من است. بازیگری باید در وجود فرد باشد اما گاهی بازیگر پول می‌دهد تا نقش اول را بازی کند. در یک فیلمی نقش اول را داشتم اما در پوستر اسم من نبود اما بازیگری که نقش کوتاه داشت اسمش بود. چرا بازیگرانی که زحمت کشیدند باید گوشه‌نشین شوند.

اما سوال اینجاست آیا که فقط دست‌های پشت پرده مقصرند؟ در کنار این مافیا و دست‌هایی که گوهر تقلبی را به جای درج هنر به جامعه غالب می‌کنند، عادت عجیبی نیز گریبان گیر نه فقط بخش اجرایی و دولتمردان بلکه عامه مردم شده است؛ فراموش‌کردن سریع و آلزایمرگونه بزرگانی است که به دلایلی اعم از مافیا، مصلحت، تفاوت دید یا هر عامل دیگری مانع کار آن‌ها و دور شدن آن‌ها از صحنه‌ای شده است که خانه آن‌ها و متعلق به خودشان است، اضافه شده است. موج‌سواری بر نام هنرمندان از قدیم همراه سیاست بوده است اما این روزها انگار همراه تمامی ما شده است، انتشار عکس بیماری و رنجوری بازیگر معروف و کاربلدی مثل فردوس کاویانی برای گرفتن لایک و بازدید و فراموش کردنش در عرض سه‌روز، پخش ویدئو از دستفروشی فلان بازیگر تا مرگ فلان خواننده. آلزایمر جمعی و مافیای این روزهای عرصه هنر دست به دست هم داده‌اند تا آنچه که نباید محبوب باشد و گوهر و درج هنر که به سال‌ها جان کندن و خاک صحنه خوردن سفته شده است فراموش دل‌هایی شود که دیدن و دیده‌شدن دغدغه‌شان شده است. تجارت این روزهای ما از بالادست تا پایین‌دست تجارت لایک و خبر مرگ دیگر این روزها به موضوعی برای دیده شدن تبدیل شده است.

ما تجارت‌مان لایک و کسب و کارمان مرگ شده است. به ملاقات آدمهای مشهوری که تا دیروز حتی یک خط از رزومه کارشان نمی‌دانستیم می‌رویم، در صفحات شخصی عکس‌هاشان را در هر حالتی به اشتراک می‌گذاریم، خاطرات نداشته‌مان با آن‌ها را تعریف می‌کنیم و بعد از مرگشان تا مدت‌ها آواتارهایمان مزین به عکس‌شان است اما دریغ در زمان بودن‌شان، با نادیده گرفتن آن‌ها به مافیای هنر در مسکوت نگه داشتن شان کمک شایانی کرده‌ایم. کاش بزرگان مملکت را همانقدر که در گوشی‌ها و بزرگداشت‌ها یاد می‌کردیم در زندگی روزمره نیز فراموش نمی‌کردیم. قدرت مردم از سیاست و مافیا هم بیشتر است اما دریغ اسیر غفلتیم. عدم آموزش اصول شهروندی، سرعت پیشرفت دنیای مجازی و موج‌سواری‌ها در این رویداد دست در دست هم داده اند تا از دل برود هر آن‌که مدتی از دیده رفته است(برفت).

کتابخانه‌ای برای زندگی بهتر

کتاب بلبل

نویسنده: کریستین هانا
ترجمه: آفاق زرگریان
انتشارات: کتابسرای تندیس

درباره کتاب

«بلبل» مربوط به جنگ جهانی دوم و مقاومت مردم فرانسه در برابر حملات آلمان نازی است.

کتاب به سه بخش تقسیم می‌شود؛ بخش اول، ترسیم فرانسه زیبا، سرسبز و دوست داشتنی که از جای جایش بوی گل، مهربانی و آرامش احساس می‌شود.

فرانسوی، مهاجر، کاتولیک و یهودی با صلح در کنار هم زندگی می‌کنند. همه جا سرشار از نعمت و آبادانی، مردم در سایه ی این امنیت امکان ابراز عشق دارند و چه در پاریس، چه در روستاهای کوچک و آبادش، با خوشی روزگار می‌گذرانند.

بخش دوم، خبر از حمله نیروهای نازی می‌دهد و متعاقب آن در هم شکستن سد دفاعی مرزی فرانسه و اشغال این کشور به دست دشمن. چندی نمی‌گذرد که نیروهای آلمان نازی حتی در کوچک‌ترین روستاها شروع به غارت و وحشیگری می‌کنند و نسل کشی یهودیان آغاز می‌شود. این بخش همان داستان پرآب چشم است. نمی‌شود بخوانی و اشک نریزی.

هر روز برای مردم یهودی یک سری مقرارت جدید اعلام می‌کردند. آن‌ها دیگر حق نداشتند از دوچرخه استفاده کنند و فقط بین ساعت سه تا چهار بعد از ظهر می‌توانستند از مغازه‌ها چیزی بخرند و باقی ساعات روز حق ورود به اماکن عمومی را نداشتند. در آن ساعت بعد از ظهر دیگر چیزی باقی نمانده بود که بتوانند از کارت جیره‌شان استفاده کنند.

آن‌ها درباره عملیات جمع‌آوری مردم در پاریس شایعاتی شنیده بودند، زن‌ها و بچه‌هایی که تبعید شده بودند، اما هیچ‌کس آن خبر را باور نکرده بود. چطور می‌توانستند چنین کاری بکنند؟ این حرف‌ها به نظر مسخره می‌آمد، امکان نداشت پلیس فرانسه شبانه ده‌ها هزار آدم را از خانه‌هایشان بیرون کشیده باشد. همه را با هم؟ امکان ندارد چنین چیزی حقیقت داشته باشد.

و در این بخش، یک ضدقهرمان دوست‌داشتنی رخ می‌نماید که باعث میشود خواننده هم مانند قهرمان دیگر داستان، ویان موریاک، درگیر قضاوت شخصیت‌ها شود. سروان بک،یک افسر آلمان نازی که در خانه ویان زندگی میکند و خلاف قوانین جنگی و فرمان‌های مافوقش دچار عشق نابهنگام شده است.

حالا هر دو شخصیت، ویان و سروان بک، دچار دوگانگی شده اند، شرایطی را تجربه میکنند که تا پیش از این در خواب هم نمی دیدند. خود را در برابر انتخاب‌هایی می بینند که هریک عواقبی بسیار سخت دارد.

مادام، اتفاق‌های بدی دارد می‌افتد، اتفاق‌های غیرممکن. من آموزش دیدم که یک سرباز باشم، برای کشورم بجنگم و خانواده‌ام را سربلند کنم. این یک انتخاب افتخارآمیز بود. حالا وقتی به کشورم برگردم، درباره ما چه فکری خواهند کرد؟ خانواده‌ام در مورد من چه فکری خواهد کرد؟ و بخش سوم داستان، که راوی‌ای نامعلوم در عصر حاضر آن را روایت می‌کند.

این بخش باعث شده تا پایان‌بندی داستان هم چون تمام بخش‌های دیگرش شورانگیز و تاثیرگذار باشد و نویسنده تا آخرین پاراگراف کتاب، خواننده را شگفت زده کند

قسمت‌هایی از متن کتاب بلبل

شهر محبوبش مانند روسپی زیبایی به نظر می‌رسید که روزی طرفداران زیادی داشت و حالا پیر و تکیده و نزار شده و عشاقش ترکش کرده بودند. در کمتر از یک سال این شهر باشکوه از سر و صدای رژه‌های پایان ناپذیر سربازهای آلمانی با پوتین‌های ساق بلندشان در خیابان‌ها از هستی ساقط شده و با پرچم‌های صلیب شکسته نازی که در بالای هر بنای تاریخی آویزان بود.

با تمام خطراتی که آن‌ها را به جان خریده بودند، عشق خطرناک‌ترین انتخاب در این راه بود.

در گوشش گفت: «دوستت دارم.»

ویان گفت: «منم دوستت دارم.»

اما کلماتی که همیشه به نظر خیلی بزرگ می آمدند، حالا انگار خیلی کوچک بودند. در مقابل دیواری چون جنگ، عشق چه معنایی دارد؟

آدم وقتی مریض باشد، سردش باشد و گرسنه، چطور می تواند به ایده‌آل‌ها بچسبد؟

حالا می‌دانست زندگی و عشق چقدر شکننده است. شاید فقط امروز او را دوست داشته باشد، یا شاید فقط تا هفته‌ای بعد، شاید تا وقتی که پیر شود.